

Investigating the Impact of Migration on Urban Growth in Fars and Its Consequences (1961-1976)

Zeynab Ghanbarynejad*

Abstract

The increasing expansion of urbanization and the increase in the number of cities and its quantitative and qualitative changes have been influenced by various factors such as industrialization, migration of villagers to cities, economic, social and cultural developments in different societies. From the 1930s onwards, when the country underwent major political changes, internal movements and movements in the country were also very noticeable. At the beginning of the sixties, with the continuation of government development programs and the implementation of social reforms by Mohammad Reza Shah, this mobility and movement in the country intensified. Simultaneously with the third development plan in the country, land reforms were implemented, which was one of the most fundamental social reforms of the Shah in improving the life of rural communities. These programs intensified internal migration, especially rural migration in the country and the growth of cities. In this research, we try to study the growth of urbanization and changes in urban population and the increase in the number of cities in Fars province in the sixties and seventies. The present research method is descriptive-analytical based on library resources. According to the research findings of Fars province, which was one of the major rural centers and tribes and nomads of the country, in the sixties and after, it was faced with widespread migration of villagers to the city and settlement of tribes and nomads in cities. Shiraz, the capital of the province, received more than 50% of

* PhD in history, Persian Gulf university, Bushehr, Iran, ghanbaryzeynab@yahoo.com

Date received: 8/11/2021, Date of acceptance: 28/2/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the province's internal and external immigrants. The expansion of urban population in Shiraz led to the physical development of the city, the emergence and growth of the phenomenon of marginalization in it.

Keywords: Urbanization, Mohammad Reza Shah, Rural Migration, Fars, Rural City, Suburbanization



بررسی تأثیر مهاجرت بر رشد شهرنشینی در فارس و پیامدهای آن (۱۳۴۰-۱۳۵۵ ش)

زینب قنبری نژاد*

چکیده

گسترش روزافزون شهرنشینی و افزایش تعداد شهرها و تغییرات کمی و کیفی آن تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر صنعتی شدن، مهاجرت روستائیان به شهرها، تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف بوده است. از دهه ۲۰ به بعد که کشور دچار تحولات سیاسی عمده‌ای شد تحرک و جابجایی‌های داخلی در کشور نیز بسیار محسوس شد. در آغاز دهه چهل با ادامه برنامه‌های عمرانی دولت و اجرای اصلاحات اجتماعی توسط محمدرضا شاه این تحرک و جابه‌جایی در کشور شدت بیشتری یافت. هم‌زمان با برنامه عمرانی سوم در کشور، اصلاحات ارضی نیز که یکی از اساسی‌ترین اصلاحات اجتماعی شاه در زمینه بهبود زندگی جوامع روستایی بود اجرا شد. این برنامه‌ها موجب شدت مهاجرت‌های داخلی و به‌خصوص مهاجرت‌های روستایی در کشور و رشد شهرها شد. در این پژوهش سعی بر آن است تا رشد شهرنشینی و تغییرات جمعیت شهری و افزایش تعداد شهرهای استان فارس در دهه چهل و پنجاه بررسی شود. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای است. طبق یافته‌های پژوهش استان فارس که از مراکز عمده روستایی و ایلات و عشایر کشور بود در سال‌های دهه چهل و بعد از آن با مهاجرت گسترده روستائیان به شهر و اسکان ایلات و عشایر در شهرها مواجه شد. شیراز مرکز استان پذیرای بیش از ۵۰ درصد مهاجرین داخلی استان و خارج از استان

* دانش‌آموخته تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران،
ghanbaryzeynab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

بود. گسترش جمعیت شهری در شیراز موجب توسعه فیزیکی شهر، پیدایش و رشد پدیده حاشیه‌نشینی در آن شد.

کلیدواژه‌ها: شهرنشینی، محمدرضا شاه، مهاجرت روستایی، فارس، روستا شهر، حاشیه‌نشینی

۱. مقدمه

مهاجرت‌های روستایی در ایران بیش از هر عاملی، تحت تأثیر مسائل سیاسی و تحولات اجتماعی جامعه که ناشی از برخی سیاست‌های حکومتی بود، قرار داشت؛ مانند مهاجرت‌های داخلی کشور در فاصله دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی و بعد از آن که بیشتر متأثر از اوضاع سیاسی کشور و سیاست‌های حکومتی بود. این سیاست‌ها تفاوت‌های فاحش اقتصادی و اجتماعی در شهر و روستا ایجاد کرد و منجر به شکل‌گیری موج‌های گسترده مهاجرتی شد. در آغاز دهه چهل و انجام اصلاحات اجتماعی محمدرضا شاه پهلوی خصوصاً در جوامع روستایی (اصلاحات ارضی) شرایطی فراهم شد تا مهاجرت‌های روستایی و رشد شهرنشینی در ایران نسبت به دوره‌های گذشته شدت بیشتری بگیرد. اجرای برنامه‌های اجتماعی و توسعه عمرانی با اختصاص میزان اعتبارات بیشتر به شهرها تفاوت میان جوامع شهری و روستایی را بیشتر کرد. در این برنامه‌ها جمعیت روستایی اگرچه از جمعیت شهری بیشتر بود؛ اما میزان اعتبارات تخصیص‌یافته جهت عمران روستایی به مراتب کمتر از اعتبارات مصوب عمران شهری بود. بودجه بیشتر برنامه‌های عمران شهری صرف بهبود زیرساخت‌های شهری، بین‌شهری و صرف سرمایه‌گذاری صنعتی شد که موجب رونق شهرها و فعالیت‌های شهری گردید. ادامه این روند باعث کاهش اهمیت کشاورزی، فروپاشی روابط سنتی در روستاها، تشدید مهاجرت‌های روستایی، گسترش شهرنشینی و رشد شهرها در مناطق مختلف کشور شد. سؤال پژوهش حاضر این است که مهاجرت روستایی چه تأثیری بر رشد شهرنشینی و تغییرات جمعیتی استان فارس داشت و پیامدهای آن چه بود؟ محمدرضا شاه در ادامه سیاست‌های مدرن‌سازی پدرش رضاشاه و صنعتی کردن کشور، نیاز به انباشت سرمایه و نیروی انسانی لازم داشت. از آنجایی که درآمدهای نفتی سرمایه لازم را برای هر طرح و پروژه‌ای فراهم می‌کرد، دولت را بی‌نیاز و مستقل از هر نوع درآمد و سرمایه کشاورزی ساخت. در این زمان تنها دغدغه شاه توسعه‌یافتگی و

خارج شدن از جهان‌سومی بود؛ بنابراین او برای رسیدن سریع به اهداف خود که نیاز به مدت‌زمان طولانی و گام‌به‌گام داشت، برنامه‌هایی را تدوین کرد که نتیجه آن، تنها نماد و مظاهر توسعه‌یافتگی یعنی رشد سریع شهرها و افزایش جمعیت شهری بود. در آغاز دهه چهل هم‌زمان با برنامه عمرانی سوم، برنامه اصلاحات ارضی نیز که در ارتباط مستقیم با جامعه روستایی بود اجرا شد. اصلاحات ارضی باعث شدت مهاجرت‌های روستایی در کشور شد. با تسریع روند مهاجرت روستایی در دهه چهل، ساختار اجتماعی و ترکیب جمعیتی شهرهای کشور دگرگون شد. باعث توسعه شهرهای بزرگ، ایجاد شهرهای جدید و تبدیل شدن بعضی از روستاها به شهر گردید.

اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مطالعات روستایی و جامعه‌شناسی شهری به مسئله مهاجرت‌های روستایی و نقش آن در توسعه شهرنشینی پرداخته‌اند. در همه این منابع رشد شهرنشینی در ایران از نتایج ملموس‌گسترش مهاجرت‌های روستایی است که نقطه اوج آن از دهه چهل به بعد دانسته می‌شود. جلیل ایران محبوب (۱۳۸۰) در کتاب جامعه‌شناسی شهری، ابوالحسن دانش (۱۳۶۲) در کتاب مقدمه‌ای بر تئوری حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه در کشورهای جهان سوم، حسین شکوئی (۱۳۶۹) در کتاب جغرافیای اجتماعی شهرها، احمد اشرف و بنوعزیز (۱۳۷۲) در مقاله «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی» که معتقد است، در اواخر دهه ۴۰ و با اتمام اصلاحات ارضی، ۷۴ درصد از کسانی که در فقر زندگی می‌کردند در مناطق روستایی بودند که به دلیل فقر و نداری اقدام به مهاجرت کردند. عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۶۸) در کتاب تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، طبق نتایج آمار و سرشماری در سال‌های قبل از اصلاحات ارضی و بعدازآن با توجه به رشد جمعیت شهرها، نتیجه می‌گیرد که اصلاحات ارضی روند مهاجرت از روستا به شهرها را در ایران تسریع کرد. فرخ حسامیان و گیتی اعتماد (۱۳۶۳) در کتاب شهرنشینی در ایران، به نظر نویسندگان روند عمده مهاجرت‌های روستایی و رشد شهرنشینی در ایران در دهه چهل و بعدازآن صورت گرفت که ناشی از عوامل دگرگون‌کننده ساخت تولید روستایی از یک‌سو و تشدید شکاف بین دستمزدها و در نتیجه سطح زندگی بین شهر و روستا بود. در مورد مهاجرت‌های روستایی در استان فارس چندین مطالعه موردی وجود دارد که توسط مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز یا پهلوی آن زمان در طول یک سال به‌صورت میدانی و با تعریف جامعه آماری مشخص از گزینش چند روستا به‌صورت اتفاقی در شمال، جنوب، شرق و غرب استان انجام‌شده است. این مطالعات چون به فاصله اندکی از این مهاجرت‌ها

و یا در حین گسترش مهاجرت‌های روستایی انجام شده بسیار ارزشمند هستند. علیرضا آیت‌اللهی و محمد حمصی (۲۵۳۷) در «گزارش مقدماتی بررسی انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت روستائیان به شهر در استان فارس» و «گزارش طرح بررسی علل و عواقب مهاجرت روستائیان به شهرها در استان فارس» (۱۳۵۷). یک مطالعه موردی هم در مورد حاشیه‌نشینان شهر شیراز در سال ۱۳۵۱ است که توسط جمعی از پژوهشگران مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز (پهلوی) انجام شده که وضعیت حاشیه‌نشینان شیراز در همان سال را بررسی کرده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رشد شهرنشینی و تغییرات جمعیتی در استان فارس، شکل‌گیری شهرهای جدید، تغییرات جمعیتی و فیزیکی شهر شیراز مرکز استان به‌عنوان مهم‌ترین مرکز جذب مهاجرین روستایی و عشایر در دهه‌های چهل و پنجاه است که تاکنون در این زمینه پژوهشی صورت نگرفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری نفوس و مسکن در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ است.

۲. اجرای برنامه‌های توسعه عمرانی و تسریع روند مهاجرت

طبق نظریه جامعه‌شناسی در هر جامعه‌ای جمعیت دائماً در حال تحرک و جابه‌جایی است؛ اما کمیت و کیفیت مهاجرت تابعی از سیستم توزیع امکانات و تحولات مربوط به آن نیز به‌نوبه‌ی خود، تابعی از تغییر و تحول در سیستم روابط اجتماعی خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر وضع قوانین جدید در یک جامعه امکانات را به نحو جدیدی توزیع می‌نماید و بر اساس آن حرکت‌های جمعیتی به گونه جدید صورت می‌گیرد. اگر در جامعه‌ای سیستم روابط اجتماعی آن به سمت تمرکز میل کند، برای عده‌ای یا گروه خاص از جامعه امتیازات و قدرت اثرگذاری بیشتری در نظر می‌گیرد در این صورت مشاغل قطبی در جامعه ایجاد می‌شود و اکثریت مردم برای انجام امور خویش مجبور به مراجعه به آن عده یا گروه خاص می‌شوند. در این نوع سیستم روابط تمرکزگرا حاکم است که در آن امکانات نیز مجتمع می‌گردد (زاهد زاهدانی ۱۳۶۵: ۲-۱۸). طبق این نظریه در دوره پهلوی دوم در ایران سیستم تمرکزگرا حاکم بود و دولت با اجرای برنامه‌هایی باعث تمرکز ثروت و امکانات در شهرها و در نتیجه توسعه هرچه بیشتر شهرها و از رونق افتادن کار و فعالیت‌های روستایی شد. این نظریه کاملاً مطابق با سیاست دولت پهلوی در اجرای طرح و برنامه‌های عمرانی بود. دولت

پهلوی هرچند از آغاز اجرای برنامه‌های عمرانی به مسئله مهاجرت روستایی توجهی نداشت؛ ولی این برنامه‌ها از همان ابتدا و خصوصاً از برنامه سوم به بعد با توجه بیشتر به شهر موجب قطب شدن آن و گسترش مهاجرت‌های داخلی در کشور شد. محمدرضا شاه از حامیان اصلی تغییر ترکیب جمعیتی کشور و معکوس شدن نسبت روستا به شهر بود. او گسترش و رشد شهرها را از مظاهر اصلی رشد و توسعه‌یافتگی می‌دانست و دائماً برافزایش جمعیت شهری تأکید داشت. از نظر او افزایش جمعیت در شهرها منجر به حرکت به‌سوی توسعه خواهد شد (پهلوی بی‌تا: ۱۶۶).

برنامه‌های عمرانی دولت از اواخر دهه ۲۰ آغاز شد. برنامه هفت سال اول عمرانی در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ به تصویب شورای ملی رسید. هدف‌های کلی این برنامه عمرانی افزایش تولید، گسترش صادرات، اصلاح کشاورزی، صدور مواد معدنی افزایش سطح زندگی و افزایش رفاه اجتماعی اعلام شده بود (سازمان برنامه‌بودجه ۱۳۷۷: ۱۱) در این برنامه عمرانی از مجموع ۲۱ میلیارد ریال منابع تخصیص یافته، ۲۳/۸ درصد به کشاورزی و آبیاری، ۱۴/۳ درصد به صنایع و معادن، ۲۳/۸ درصد به راه‌های شوسه، راه‌آهن، بنادر و فرودگاه، ۴/۵ به پست، تلگراف، تلفن و بی‌سیم، ۴/۸ درصد برای تأسیس شرکت نفت ایرانی و ۲۸/۵ درصد به اصلاحات اجتماعی و شهری تخصیص داده شد (بانک ملی ایران ۱۳۲۷: ۶۱) به این ترتیب ۷۶ درصد از کل اعتبارات عمرانی این برنامه به اموری تخصیص یافت که در ارتباط مستقیم با توسعه شهری قرار داشت.

برنامه عمرانی اول بعد از دو سال با شروع جریان ملی شدن صنعت نفت و حوادث بعدازآن متوقف شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمینه برای اجرای برنامه دوم عمرانی فراهم شد. این برنامه، در اسفندماه ۱۳۳۴ به تصویب مجلس رسید. اعتبار این برنامه با توجه به افزایش فروش نفت ۸۴ میلیارد ریال در نظر گرفته شده بود. در این برنامه اهدافی چون افزایش تولید، بهبود وضع صادرات و تهیه مایحتاج مردم در داخل کشور و ترقی کشاورزی، صنایع، اکتشافات و بهره‌برداری دنبال می‌شد (سازمان برنامه‌بودجه ۱۳۷۷: ۱۲). در این برنامه اصلاحات اجتماعی و شهری بیشترین سهم از اعتبارات، یعنی بیش از ۸/۶ میلیارد ریال یا ۲۸/۶ درصد از کل اعتبارات را به خود اختصاص داده بود. سایر بخش‌ها در قالب راه‌های ارتباطی، پست، تلگراف و تلفن و بخش صنعت به‌عنوان عمده‌ترین بخش‌های برنامه عمران شهرنشینی و تحول شهری دنبال شد. اجرای این برنامه سبب

پیدایش گروه جدیدی از سرمایه‌داران شد که سرمایه خود را مستقیماً از مشارکت در این برنامه به دست آورده بودند. در این زمان درآمدهای نفتی عمدتاً صرف سرمایه‌گذاری در امور زیرساختی و خدمات شهری می‌شد. با وابستگی بیشتر کشور به درآمدهای نفتی، نقش مازاد اقتصاد روستایی در ایران در توسعه شهری کاهش یافت. به طوری که در برنامه دوم فقط ۴/۵ درصد یا حدود یک میلیارد ریال از سهم بخش کشاورزی برای عمران ۶۵ هزار روستا که بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده بود هزینه شد (قدیری معصوم ۱۳۸۷: ۷۳). با لحاظ اعتبارات شهری و گسترش روزافزون تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های خارجی، شهرها به مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد اقتصاد ملی تبدیل شدند. با تبدیل شهر به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیرساخت‌های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه‌داری، فعالیت‌های جدید و سودآوری در شهر پدید آمد و شهر به مرکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی بدل شد (زاهدی مازندرانی ۱۳۶۶: ۳۶).

برنامه عمران سوم کشور در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۱ در غیاب مجلس شورای ملی با تصویب هیئت‌وزیران به مرحله اجرا درآمد که هم‌زمان با اجرای اصلاحات ارضی در کشور بود (امینی ۱۳۷۹: ۴۴۵). در برنامه سوم پیش‌بینی شده بود که بیشتر از منابع داخلی استفاده شود و این کار به نظر کاملاً مقدور بود و به دو طریق از راه صرفه‌جویی ملی و اخذ مالیات بیشتر امکان‌پذیر بود. فرمانفرمایان (رئیس سازمان برنامه) برنامه پنج‌ساله سوم را مستلزم اصلاحات اجتماعی و اداری می‌دانست و معتقد بود باید اصلاحات ارضی در این مرحله عملی و سازمان‌های محلی تقویت شود (کیهان، ۱۳۴۰: ۱۳). با این حال سهم نفت از کل اعتبارات این برنامه ۶۶ درصد و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی آن محسوب می‌شد (قدیری معصوم ۱۳۸۷: ۷۳). میزان اعتبارات مصوب شهری با داشتن جمعیتی به رقم ۹۷۹۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵، ۷/۳ میلیارد ریال و میزان اعتبارات پرداختی در این بخش ۷/۲ میلیارد ریال بود؛ اما میزان اعتبارات مصوب روستایی با داشتن جمعیت ۱۵۹۹۴۰۰۰ نفر در همین سال ۴/۹۳۳ میلیارد ریال و مقدار پرداختی آن ۴/۷۸۹ میلیارد ریال بود (زاهد زاهدانی ۱۳۶۵: ۱۸). در این برنامه جمعیت روستایی اگرچه از جمعیت شهری بیشتر بود، اما میزان اعتبارات تخصیص‌یافته جهت عمران روستایی به مراتب کمتر از اعتبارات مصوب عمران شهری بود. اجرای اصلاحات ارضی در این مرحله نیز بر سرعت گرفتن مهاجرت‌های روستا-شهری

افزود و افزایش سریع جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط را در پی داشت. این روند در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم نیز ادامه یافت.

در برنامه چهارم عمران کشور که طول آن از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ بود، اعتبارات عمران دهات ۱۳/۴۱۵ میلیارد ریال و اعتبارات عمران شهری ۱۸/۳۰ میلیارد ریال بود. این در حالی بود که جمعیت شهری در سال ۱۳۵۰، ۱۲۳۹۸۰۰۰ نفر و جمعیت روستایی ۱۷۶۲۲۰۰۰ نفر برآورد شده بود (برنامه چهارم عمران کشور ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ۱۳۴۷: ۲۱۷-۲۱۶). در این برنامه سهم نفت از کل اعتبارات ۶۳ درصد بود. صنایع و معادن ۲۲/۳ درصد، حمل و نقل و ارتباطات ۱۴/۱ درصد، نفت و گاز ۱۱/۳ درصد، آب ۸/۳ درصد، ساختمان و مسکن ۸/۲ درصد، کشاورزی و دامپروری، ۸/۱ درصد لحاظ شد (سازمان برنامه‌بودجه ۱۳۵۰: ۲۱). بخش‌های صنعت و خدمات رشد سالانه ۱۴/۸ درصد دارد ولی بخش کشاورزی رشد سالانه ۳/۸ درصد را داشت. در این برنامه تأکید اصلی توسعه اقتصادی بر صنعتی شدن کشور قرار داشت. افزایش تعداد واحدهای تولیدی صنعتی و پایه‌گذاری صنایع پتروشیمی، گاز و بهره‌برداری از صنعت اتمبیل (تراکتورسازی اراک و اردبیل) و نیز افزایش فراوان حجم فعالیت‌های ساختمانی در نقاط شهری، عامل بسیار مؤثری در جذب نیروی کار رانده‌شده از روستا بود. رشته‌های ساختمان و مسکن یکی از رشته‌های مولد شغل بود و دولت سعی داشت با توسعه آن بیکاری در بخش شهری را حل کند. در سال ۱۳۴۶ نیم میلیون نفر در این بخش شاغل بودند (حسامیان ۱۳۷۳: ۵۶-۵۷). از طرف دیگر، پیش‌بینی شده بود که تعداد ۲۲۶۰۰۰ شغل در بخش کشاورزی ایجاد شود که این امر نه تنها محقق نشد بلکه ۲۰۲۰۰۰ نفر از شاغلین قبلی نیز این بخش را ترک نمودند. در این مرحله شاغلین بخش کشاورزی از ۴۹ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافت. نرخ مهاجرت روستائیان در این دوره ۱/۴ درصد بود که ۰/۴ درصد نسبت به برنامه قبل افزایش یافت. متوسط تعداد مهاجرین سالانه از روستا به شهر هم ۲۳۲ هزار نفر بود (قدیری معصوم ۱۳۸۷: ۷۵).

برنامه پنجم عمرانی در اسفند ۱۳۵۱ به تصویب رسید. اعتبارات این برنامه با توجه به افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳، مجموعاً ۴۱۸۶ میلیارد ریال لحاظ شد. سرمایه‌گذاری ثابت در بخش عمران روستایی ۶۰ میلیارد ریال و در بخش عمران شهری ۷۳/۵ میلیارد ریال بود. در این زمان هم جمعیت شهری در سال ۱۳۵۵، ۱۵۸۵۵۰۰۰ نفر و جمعیت روستایی ۱۷۸۵۳۰۰۰ نفر گزارش شده بود (همان). بخش اعظمی از درآمدهای

حاصل از صادرات نفت در آغاز صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و در مرحله بعد صرف سرمایه‌گذاری صنعتی شد. گسترش زیرساخت‌ها و تأسیسات و تجهیزات شهری، کیفیت زندگی شهری را ارتقا داد. بورس‌بازی زمین و ساختمان‌سازی در شهرهای بزرگ به سودآورترین و پررونق‌ترین فعالیت‌های شهری تبدیل شد (اعتماد ۱۳۶۶: ۶۵-۶۶). در این مرحله متوسط تعداد مهاجران روستایی سالانه طی این برنامه عمرانی ۳۷۳ هزار نفر یعنی حدود ۳/۱ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین کشور افزوده شد که ۴۸ درصد از این افزایش ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها یا تبدیل نقاط روستایی به شهر بود (زاهدی مازندرانی ۱۳۶۶: ۳۷).

۳. شرایط عمده مهاجرت در فارس

فارس به دلیل شرایط جغرافیایی آن و کوهستانی بودن منطقه به دلیل قرار داشتن در کوهپایه‌های زاگرس، دشت‌های وسیع و حاصلخیز محدودی داشت. عمده دشت‌های استان در فواصل کوه‌ها قرار دارد و در مقابل گسترش این دشت‌ها عوامل نامساعدی چون وجود گنبد‌های نمکی و شوری و کمبود نسبی آب و کوهستان‌های سنگی عریان، امکان بهره‌برداری از توپوگرافی نسبتاً مساعد دشت‌ها را تا حدودی زیادی کاهش می‌داد. بعد از اصلاحات ارضی به دلیل همین شرایط جغرافیایی، اراضی که نصیب دهقانان شد بسیار محدود و پراکنده بود (اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۹۰: ۵۴۸). در کنار این وضعیت، شرایط طبیعی استان و خشک‌سالی‌های پی‌درپی هم‌زمان با اجرای اصلاحات ارضی در دهه چهل مزید بر علت بود. هم‌زمان با اصلاحات ارضی در فارس، آب قنوات فارس به دلیل کاهش بارندگی به شدت کاهش یافت و بخش وسیعی از فارس دچار کم‌آبی شد. در این شرایط نه تنها کشاورزان بلکه عشایر این استان نیز به دلیل نبود علوفه و تلف شدن دام خسارات زیادی دیدند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۱: ۱۵). بعد از اصلاحات ارضی درگیری‌های زیادی میان کشاورزان و مالکان منطقه بر سر آب ایجاد شد و در عمده مناطق بر سر آب جنگ و درگیری بود. شکایات متعددی وجود دارد که اهالی روستاهای فارس به دلیل اجازه ندادن مالک برای استفاده از آب و یا این‌که به دلیل حفر چاه‌های عمیق ۳۰ تا ۱۲۰ متری مالکان آب چاه یا قنات در مناطق آن‌ها خشک‌شده بود، به دولت شکایت کرده بودند (کمام- ۲۶/۱/۴۰۵/۱۳۷۲ س).

دولت در طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ در بخش عمران روستایی جهت حل مشکل تأمین آب کشاورزی اقدامات عمده‌ای انجام داد. دولت در طی این سال‌ها حدود ۴۵ درصد از کل هزینه‌هایش در بخش کشاورزی را صرف طرح‌های آبیاری کرد. بیشتر مخارج دولت در امر آبیاری به ساخت سدهای بزرگ و شبکه‌های آبیاری اختصاص یافت که منابع کمی برای دهقانان خرده‌پا در برداشت. اراضی زیر سدها به کشت و صنعت و شرکت‌های سهامی زراعی اختصاص یافت. این سدها جریان آبی که در رودخانه‌ها مورد استفاده کشاورزان بود، کاهش داد و یا به‌طور کلی خشکاند. در این صورت کشاورزان برای استفاده از آب سدها باید پول پرداخت می‌کردند که در مقایسه با شرکت‌های کشت و صنعت بیشتر بود (عمید ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۴). آنان عموماً از عهده تأمین مخارج آن عاجز بودند و به‌ناچار زمین خود را واگذار و یا رها کردند و برای پیدا کردن کار راهی شهرها شدند. احداث سد داریوش بر روی رودخانه کر در سال ۱۳۴۵ نیز در راستای همین هدف صورت گرفت؛ اما با مشکلات پیش‌آمده و عدم اعتماد مردم به شیوه‌های جدید فناوری و کانال‌کشی با توجه به پراکندگی زمین‌های منطقه نتیجه معکوس داد و موجب شد آن بخش از کشاورزان خرده‌پا که ناچار به خرید آب بودند، زمین‌های خود را رها کرده و به شهر مهاجرت کنند. در این شرایط تنها خرده‌مالکان و مالکان اراضی که قبلاً تحت کشاورزی مکانیزه بود، زمین‌های خود را حفظ کردند (عجمی و دیگران ۱۳۵۳: ۸-۱۵).

از دیگر شرایط مهاجرت روستایی در استان فارس، تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۸ ش بود. این شرکت‌ها در پاره‌ای از مناطق روستایی، بخش فراوانی از نیروی مازاد کشاورزی مناطق اطراف خود را آزاد ساخت. این امر در زمینه افزایش نرخ مهاجرت در حوزه عمل این شرکت‌ها بسیار مؤثر واقع شد. مطالعاتی که در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در مورد بررسی شرکت‌های سهامی زراعی و همچنین مطالعاتی که در حوزه شرکت‌های سهامی استان فارس انجام شده، بازگوی آن است که در نتیجه تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی، بخش مهمی از روستائیان کشاورز (صاحب نسق) در حوزه فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی به‌طور فردی یا خانوادگی روستا را ترک کردند (قنبری نژاد ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۴۶). ظاهراً مهم‌ترین علل مهاجرت روستائیان بعد از تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی، قاعده مربوط به واگذاری حق استفاده دائم و مطلق اراضی به شرکت و نیز مکانیزه کردن اراضی در قلمرو فعالیت شرکت بود (زاهدی مازندرانی ۱۳۷۳: ۳۷).

بخش بزرگی از مهاجرت‌های داخل استان فارس مربوط به جابه‌جایی و تحرک دائم ایلات و عشایر این استان بود. در جریان اسکان ایلات و عشایر در زمان پهلوی دوم، بخشی قابل توجهی از این ایلات با مشکلات معیشتی زیادی روبرو شدند. اغلب مکان‌هایی که برای اسکان آنان در نظر گرفته می‌شد از لحاظ آب و هوایی و موقعیت مکانی بدون هیچ مطالعه و طرح و برنامه‌ای صورت گرفته بود. در نتیجه آن‌ها بخش مهمی از سرمایه خود که دام بود را از دست دادند. از آنجایی که زمین‌های اهدایی به ایلات و عشایر هم عموماً فاقد آب بود، از لحاظ کشاورزی هم ایلات نمی‌توانستند، کشاورزی مناسبی برای گذران زندگی داشته باشند. مهاجرت ایلات و عشایر به شهرها از بین ایلات اسکان‌یافته از قبل از اصلاحات ارضی آغاز شده بود. بعد از جریان اصلاحات ارضی علاوه بر مشکلات گفته‌شده، مشکل اصلی عشایر، مسدود شدن «ایل راه» به وسیله جوامع روستایی بود. در این زمان روستائیان درازای عبور عشایر وجه غیرعادلانه دریافت می‌کردند و یا این مراتع را همراه با دیمزارهای کم بازده به عشایر می‌فروختند. این سخت‌گیری‌ها و انسداد راه‌ها، عشایر را مجبور کرد که مسافت‌های طولانی را یکسره بپیمایند. در این مسیر و پیاده‌روی‌های طولانی، نوزادان، بره‌ها و بزغاله‌ها از بین رفته و تلف می‌شدند. این مشکلات، عشایر کوچ رو را مجبور به اسکان اجباری در شهرها و حومه آن کرد (قرخلو ۱۳۶۹: ۶۱-۶۲؛ بهاروند ۱۳۶۷: ۲۴۸).

۴. رشد شهرنشینی در فارس

طبق سرشماری ۱۳۳۵ تعداد شهرهای استان فارس ۱۷ شهر بود که جمعیت آن‌ها روی هم‌رفته به حدود ۳۵۹۸۰۰ نفر می‌رسید. با توجه به مجموع جمعیت استان فارس، حدود ۳۳/۹ درصد جمعیت در شهر سکونت داشتند و بقیه در روستا و یا ایلات و عشایر بودند. بر اثر توسعه شهر گرایی، جمعیت شهری استان تا سال ۱۳۴۵ با رشد سالانه ۴/۱۶ درصد به ۵۴۰۷۰۰ نفر رسید. از طرف دیگر به تعداد شهرهای استان فارس بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ نیز افزوده شد و ۷ روستای استان که جمعیت آن‌ها از مرز ۵ هزار نفر گذشته بود، طبق قوانین جدید در ردیف شهرهای استان قرار گرفتند. جمعیت این ۷ شهر جدید (ارسنجان، ابرقو، خرامه، صغاد، حاجی‌آباد، زاهدان، نورآباد) در سال ۱۳۴۵، حدود ۴۰ هزار نفر بود. (زنجان و رحمانی ۱۳۶۸: ۳۸-۴۰) در نتیجه در سال ۱۳۴۵ کل جمعیت

بررسی تأثیر مهاجرت بر رشد شهرنشینی ... (زینب قنبری نژاد) ۲۳۱

شهرنشین استان به حدود ۳۹/۸ درصد افزایش یافت. این درحالی که بود که متوسط رشد سالانه جمعیت شهری به ۴/۹ درصد کاهش یافته بود (مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ۱۳۵۴: ۱۵-۱۷). روند شهرگرایی در دهه چهل و پنجاه در استان فارس به شدت ادامه داشت. امکانات اقتصادی و اجتماعی شهرهای فارس از یکسو و محدودیت اقتصادی و اجتماعی روستاها از سوی دیگر موجب ادامه مهاجرت‌ها از روستا به شهر شد. قدر مطلق افزایش جمعیت شهری بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، ۲۳۵ هزار نفر و بین سال‌های ۴۵ تا ۵۵، ۲۳۷ هزار نفر بود. بعلاوه تعداد شهرهای استان فارس یعنی نقاط پنج هزار نفر و بیشتر در طی دهه دوم ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ نیز افزایش یافت. طبق جدول شماره ۱ در سرشماری ۱۳۵۵ با افزایش جمعیت روستاها پنج نقطه دیگر به جمعیت شهرهای استان فارس افزوده شد. (سروستان، میمند، فراشبند، خنج و سعادت‌آباد) تعداد شهرهای این استان نیز به ۲۹ منطقه شهری افزایش یافت (منصوریان و آیت‌اللهی ۲۵۳۷: ۳؛ زنجانی و رحمانی ۱۳۶۸: ۳۸-۶۱)

جدول شماره ۱- نقاط روستایی تبدیل شده به شهر در سرشماری سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵

شهر	جمعیت ۱۳۴۵	جمعیت ۱۳۵۵	شهر	جمعیت ۱۳۴۵	جمعیت ۱۳۵۵
ارسنجان	۵۹۱۹	۶۵۱۰	سروستان	-	۶۹۲۲
ابرقو	۷۶۰۶	۱۰۱۶۵	میمند	-	۵۲۷۵
خرامه	۵۶۱۰	۷۰۸۴	فراشبند	-	۶۷۵۲
صغاد	۵۴۲۹	۶۳۶۰	خنج	-	۵۸۸۳
حاجی‌آباد	۵۸۸۴	۷۳۶۹	سعادت‌آباد (سعادت شهر)	-	۶۷۷۳
زاهدان	۵۵۳۸	۶۳۶۱	*	*	*
نورآباد	۵۳۷۱	۱۰۹۸۴	*	*	*

مأخذ: (زنجانی و رحمانی ۱۳۶۸: ۳۸-۵۹/۴۰-۶۱)

طبق جدول شماره ۲، به استثنای شهر شیراز که جمعیتی بیش از ۴۰۰ هزار نفر داشت، حدود دوسوم شهرهای فارس جمعیتی کمتر از پانزده هزار نفر و بقیه جمعیتی بین پانزده تا پنجاه هزار نفر داشتند. حدود سه پنجم شهرهای فارس که جمعیتی کمتر از ۱۵ هزار نفر

داشتند، شهرهای جدید یا به‌بیان‌دیگر «روستا شهر» بودند. سایر شهرها که جمعیتی بیشتر از ۱۵ هزار نفر داشتند اغلب شهرهای قدیمی و تاریخی این استان محسوب می‌شوند. طبق آمار موجود از سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ می‌توان به‌خوبی تغییرات جمعیتی استان در شهرهای قدیمی و جدید استان را به‌خوبی مشاهده کرد. در بین شهرهای قدیمی فارس بیشترین شدت رشد جمعیت در استان را در درجه اول شهر مرودشت و بعد از آن فسا داشت. رشد سالانه جمعیت در مرودشت ۱۰/۴۱ درصد که چندین برابر متوسط رشد سالانه جمعیت کشور بود. دلیل این امر به خاطر شدت مهاجرت روستایی در این شهرستان بود. رشد فعالیت‌های صنعتی در شهر مرودشت و نزدیکی آن به شیراز، برای مهاجرین روستایی و همچنین ایلات و عشایر که در این منطقه ییلاق داشتند، بیشترین جاذبه را داشت. بعد از مرودشت، فسا با رشد سالانه ۶/۶۲ درصد رشد سالانه جمعیت دومین مقام را داشت. این شهر در مسیر اصلی ییلاق و قشلاق ایلات و عشایر بود. شیراز مرکز استان با رشد ۴/۵۸ درصد در مقام سوم قرار داشت. شیراز محل تمرکز فعالیت‌های عمده صنعتی استان بود و از آنجایی که اهالی استان فارس به این شهر کم‌وبیش رفت‌وآمد و آشنایی داشتند، این شهر مقصد اولیه کلیه مهاجرین در استان محسوب می‌شد. در فاصله ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ به دلیل مهاجرت‌های داخل استانی و خارج از استان رشد جمعیت آن از متوسط رشد جمعیت کشور هم بیشتر شد. در دهه سی در استان فارس با احتساب نواحی ساحلی خلیج فارس و بوشهر استان فارس دارای ده نقطه بالای ده هزار نفر جمعیت بود. این مناطق شامل، شیراز، کازرون، جهرم، لار، فسا، استهبان، نیریز، اقلید، بوشهر و برازجان بود. در سرشماری بعدی که نواحی ساحلی از استان فارس جدا شد، با رشد شهرنشینی در استان تعداد این نقاط به ۱۱ نقطه شهری بالای ده هزار نفر جمعیت افزایش یافت (زنجان ۱۳۶۸: ۲۵-۳۵). این مناطق جزء شهرهای بزرگ و قدیمی استان محسوب می‌شدند که همیشه جزء شهرهای بزرگ و آباد کشور بودند.

جدول شماره ۲- تغییرات جمعیتی در شهرهای قدیمی استان فارس

شهر	جمعیت ۱۳۳۵	جمعیت ۱۳۴۵	جمعیت ۱۳۵۵	رشد سالانه جمعیت ۱۳۴۵-۱۳۳۵	رشد سالانه جمعیت ۱۳۵۵-۱۳۴۵
شیراز	۱۷۰۷۰۰	۲۶۹۹۰۰	۴۰۸۵۰۰	۴/۵۸	۴/۱۴
کازرون	۳۰۶۰۰	۳۹۸۰۰	۴۸۴۰۰	۲/۶۳	۱/۹۶
جهرم	۲۹۲۰۰	۳۸۴۰۰	۴۶۹۰۰	۲/۷۴	۲
مرودشت	۹۰۰۰	۲۵۵۰۰	۴۹۶۰۰	۱۰/۴۱	۶/۶۵
لار	۱۴۲۰۰	۲۱۶۰۰	۲۴۷۰۰	۴/۱۹	۱/۳۴
فسا	۱۱۷۰۰	۱۹۱۰۰	۳۰۴۰۰	۴/۹۰	۴/۶۵
استهبان	۱۶۳۰۰	۱۸۲۰۰	۱۹۵۰۰	۱/۱۰	۰/۶۹
نیریز	۱۲۴۰۰	۱۶۱۰۰	۱۸۹۰۰	۲/۶۱	۱/۶۰
آباده	۸۲۰۰	۱۵۹۰۰	۲۳۱۰۰	۶/۶۲	۳/۷۴
اقلید	۱۱۸۰۰	۱۴۳۰۰	۲۰۶۰۰	۱/۹۲	۳/۶۵
داراب	۹۱۰۰	۱۳۴۰۰	۱۷۷۰۰	۳/۸۷	۲/۷۸
اردکان	۶۰۰۰	۹۸۰۰	۸۶۰۰	۴/۹۱	-۱/۳۱
فیروزآباد	۵۷۰۰	۸۹۰۰	۱۳۹۰۰	۴/۴۶	۴/۴۶
گراش	۶۱۰۰	۷۹۰۰	۱۱۴۰۰	۲/۵۹	۳/۶۷
اوز	۶۱۰۰	۷۷۰۰	۱۰۵۰۰	۲/۳۳	۳/۱۰
ابرقو	۶۳۰۰	۷۶۰۰	۱۰۱۰۰	۱/۸۸	۲/۸۴
زرقان	۶۴۰۰	۷۱۰۰	۸۲۰۰	۱/۰۴	۱/۴۴

مأخذ: منصوریان، آقا، آیت‌اللهی (۲۵۳۵). برگرفته از نشریات مرکز آمار ایران ۱۳۳۵: ۱۳۴۵، ۱۳۵۵

در سرشماری ۱۳۴۵، سازمان برنامه‌بودجه مرکز آمار کشور، ملاک جدیدی برای شهر و روستا در نظر گرفت. در دیدگاه جمعیت‌شناسی جدید، شهر به‌جایی گفته می‌شد که دارای حداقل ۵ هزار نفر جمعیت باشد. اگرچه شهر از نظر شیوه معیشت و ساخت اقتصادی هم می‌بایست اکثریت جمعیت آن در بخش‌های صنعت و خدمات مشغول باشند؛ اما در جمعیت‌شناسی کشور تکیه اصلی بر تعداد جمعیت و بعضی تشکیلات اداری نهاده شده بود (تقوی ۱۳۷۲: ۱۴۰-۱۴۱). طبق جدول شماره ۳، در این مرحله ۱۴ نقطه شهری در استان فارس شکل گرفت که رشد جمعیت بالایی داشتند. این نقاط در اولین مرحله

سرشماری جمعیتی کمتر از ۵ هزار نفر و عموماً زیر سه هزار نفر داشتند. اما در دهه چهل با رشد بالای جمعیت و یا این‌که در مسیر ییلاق و قشلاق ایلات و عشایر قرار داشتند، با اسکان این ایلات به جمعیت بالای ۵ هزار نفر رسیدند. البته این شهرهای جدید در دهه چهل و پنجاه چهره شهری چندانی نداشتند و همچنان ظاهر روستایی خود را حفظ و اصطلاحاً «روستا شهر» محسوب می‌شدند. سروستان، ارسنجان، خرامه، صغاد، زاهدان، نورآباد، حاجی‌آباد، کوار، خنج، سعادت‌آباد، سوریان، ایزدخواست، میمند و قیر نقاط جدید شهری استان فارس بودند که در دهه ۴۰ با رشد سالانه جمعیت بسیار بالایی روبه‌رو بودند. بالاترین میزان رشد سالانه جمعیت در بین این شهر به ترتیب در نورآباد ۸/۳۵ درصد، سروستان ۶/۲۳ درصد، خرامه ۵/۲۹ و سعادت‌آباد ۴/۰۵ درصد بود (منصوریان، آیت‌اللهی ۲۵۳۵: ۱۴). بقیه شهرها نیز اکثراً رشد سالانه جمعیت بالای ۳ درصد داشتند. در بین شهرهای جدید، کوار و سعادت‌آباد که بعد به سعادت شهر تغییر نام داد، در دهه ۵۰ بالاترین رشد سالانه جمعیت را دارا بودند. کوار ۱۶/۰۹ درصد رشد و سعادت شهر ۱۰/۲۷ درصد رشد داشت.

دریکی از روستاهای واقع در دهستان کوار، روستای قلعه میرزایی، اهالی روستا بعد از اصلاحات ارضی به دلیل نداشتن آب و همچنین مشکلاتی که بعد از احداث کارخانه قند در منطقه ایجاد شده بود، اقدام به مهاجرت کردند. با ایجاد کارخانه قند آلودگی آب منطقه بیشتر شد. درخواست‌های مردم از مقامات دولتی برای ایجاد منبع آب مشروب بی‌نتیجه ماند و اصرارهای آنان به‌جایی نرسید، بنابراین مردم ناگزیر به مهاجرت شدند. تنها شهر نزدیک شهر کوار یا اصطلاحاً «روستا شهر» کوار بود که بر اثر مهاجرت‌های روستایی شکل گرفته بود. روستائیان در روستا شهر کوار از تسهیلات ترابری، رفاهی، درمانی و آموزشی برخوردار بودند. آن‌ها به زمین‌های کشاورزی خود نیز نزدیک بودند و می‌توانستند به کار کشاورزی خود نیز برسند و آن‌ها را رها نکنند. در اکثریت روستاهای اطراف کوار به‌جز روستای «فشلاق گرگی» مهاجرت در زمانی خیلی کوتاه کمتر از یک سال و به‌صورت دسته‌جمعی صورت گرفته بود. دلیل این امر هم برای تمامی روستاها نزدیکی شهر، قیمت مناسب زمین، خانه‌های اجاره‌ای ارزان‌قیمت بود. در ضمن هیچ‌گونه آسیبی به وضع کشاورزی آن‌ها هم وارد نشد (حمصی و آیت‌اللهی ۱۳۵۷: ۷۳).

بررسی تأثیر مهاجرت بر رشد شهرنشینی ... (زینب قنبری نژاد) ۲۳۵

نکته دیگر در مورد شهرهای جدید در استان و طبق آمار جدول شماره ۳، در بین شهرهای جدید تنها شهر نورآباد جمعیتی بالای ده هزار نفر داشت. این امر به دلیل بالا بودن رشد سالانه جمعیت در طول هر دو سرشماری سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و اسکان ایلات و عشایر لر در این ناحیه بود. متوسط جمعیت در بقیه شهرهای جدید بالای ۵ هزار نفر هم ۶۹۰۰ نفر بود. در بین شهرهای جدید، کوار، سعادت‌آباد، سوریان، ایزدخواست و قیر تا سال ۱۳۵۵ همچنان جمعیتی زیر ۵ هزار نفر داشتند که طبق تعریف جدید سازمان برنامه‌وبودجه با توجه به تعداد جمعیت، نباید شهر محسوب می‌شدند؛ ولی این مناطق به دلیل داشتن بعضی از امکانات و یا نزدیکی به مرکز شهرستان خود جزء نواحی شهری محسوب شدند.

جدول ۳. تغییرات جمعیتی در شهرهای جدید استان فارس، شهر روستاهای شکل گرفته در دهه ۴۰ و ۵۰

شهر	جمعیت ۱۳۳۵	جمعیت ۱۳۴۵	جمعیت ۱۳۵۵	رشد سالانه جمعیت ۱۳۴۵-۱۳۳۵	رشد سالانه جمعیت ۱۳۵۵-۱۳۴۵
سروستان	۳۳۰۰	۶۴۰۰	۶۹۰۰	۶/۲۳	۰/۷۵
ارستجان	۴۴۰۰	۵۹۰۰	۶۵۰۰	۲/۹۳	۰/۹۷
خرامه	۳۳۰۰	۵۶۰۰	۷۰۰۰	۵/۲۹	۲/۲۳
صفاد	۴۰۰۰	۵۴۰۰	۶۴۰۰	۳	۱/۷۰
زاهدان	۳۷۰۰	۵۵۰۰	۶۳۰۰	۳/۹۶	۱/۳۶
نورآباد	۲۳۰۰	۵۳۰۰	۱۰۹۰۰	۸/۳۵	۷/۲۱
حاجی‌آباد	۴۱۰۰	۵۹۰۰	۷۴۰۰	۳/۶۴	۲/۲۷
کوار	۵۰۰	۶۰۰	۳۰۰۰	۱/۸۲	۱۶/۰۹
خنج	۳۲۰۰	۴۵۰۰	۵۹۰۰	۳/۴۱	۲/۷۰
سعادت‌آباد	۱۶۰۰	۲۴۰۰	۲۷۰۰	۴/۰۵	۱۰/۲۷
سوریان	۱۶۰۰	۲۱۰۰	۲۵۰۰	۲/۷۲	۱/۷۴
ایزدخواست	۳۵۰۰	۳۹۰۰	۴۲۰۰	۱/۰۸	۰/۷۴
میمند	۲۶۰۰	۳۲۰۰	۵۳۰۰	۲/۰۸	۵/۰۵

۱/۳۴	۳/۳۶	۴۰۰۰	۳۵۰۰	۲۵۰۰	قبر
------	------	------	------	------	-----

مأخذ: برگرفته از نشریات مرکز آمار ایران ۱۳۳۵: ۱۳۴۵، ۱۳۵۵

۵. مهم‌ترین مراکز جذب جمعیت در فارس

در استان فارس بیشترین جاذبه‌های شهری برای مهاجرین روستایی را دو شهر شیراز و مرودشت داشت. این دو شهر به علت داشتن عوامل زیر بنایی اقتصادی و اجتماعی و همچنین امکانات توسعه کشاورزی و صنعتی یکی از قطب‌های صنعتی استان و کشور شناخته می‌شدند. راه‌های ارتباطی آسفالت‌ه به تهران و مراکز مصرف کشور و شاهراه‌های در حال ساخت به بندر بوشهر، آب‌کاری، زمین‌های زراعتی، سد دورود زن بر روی رودخانه کر، نیروی برق و مرکز برق فشارقوی ۷ هزار کیلوواتی در این ناحیه و همچنین بهره‌برداری از سد داریوش که امکان بهره‌برداری از ده هزار کیلووات را به گردش برق منطقه وارد کرد. (این مقدار، برق شیراز، مرودشت و تخت جمشید را تأمین می‌کرد) داشتن امکانات گاز طبیعی، یک لوله گاز به قطر ۱۰ اینچ از گچساران به مرودشت کشیده شد که برای تأمین احتیاجات کارخانه کود شیمیایی و دیگر کارخانه‌ها و مصارف عمومی شهر بود. همچنین عمده صنایع فارس در این دو شهر متمرکز بود. کارخانه کود شیمیایی مرودشت، کارخانه قند کوار، کارخانه قند مرودشت، کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز و کارخانه سیمان فارس از کارخانه‌های بزرگ استان محسوب می‌شدند. وجود این کارخانه‌ها فرصت‌های شغلی مناسبی برای مهاجران روستایی فراهم کرده بود و از طرفی وجود این کارخانه نیاز به مواد اولیه را افزایش داد که باعث توسعه کشاورزی و دیگر فرآورده‌های صنعتی در استان شد. کارخانه کود شیمیایی مرودشت سالانه ۴۵ هزار تن اوره و ۳۵ هزار تن نیترات دو آمونیوم تولید می‌کرد که هم بازار مصرف داخلی و هم بازار مصرف خارجی مناسبی در شیخ‌نشین-ها داشت. این کارخانه مواد اولیه دیگر واحدهای تولید مانند کارخانه ملامین‌سازی، کارخانه پر کردن سیلندرهای آتش‌نشانی، کارخانه یخ خشک در استان و سایر نقاط کشور را تأمین می‌کرد (وزارت اقتصاد مرکز بررسی‌های توسعه صنعتی و بازرگانی ۱۳۴۷: ۱-۵).

رشد و توسعه راه‌سازی در شیراز از دیگر فرصت‌های اشتغال برای کارگران کشاورزی از کار بیکار شده محسوب می‌شد. ساختمان شاهراه شیراز- بوشهر که ارتباط استان فارس

را با دریای آزاد از طریق بوشهر و همچنین دو استان بزرگ خوزستان و فارس را از طریق کازرون و بهبهان برقرار می‌کرد، در سال ۱۳۴۲ شروع شد. این پروژه که تا پایان سال ۱۳۴۷ همچنان ادامه داشت مبلغ ۱۰۵۴ میلیون ریال اعتبار برای آن لحاظ شده بود. همچنین عملیات راه‌سازی شیراز- اصفهان، اصلاح و بازسازی راه شیراز- آباده در سال ۱۳۴۵ و تعریض راه تخت جمشید به شیراز از عملیات راه‌سازی استان در این دهه بود. پل‌سازی راه شیراز- جهرم، صیمکان، مرادآباد در سال ۱۳۴۵ پایان یافت. در دهه چهل با شدت راه‌سازی، راه‌های کل استان بالغ بر ۳۰۰ کیلومتر و مجموع راه‌های شنی بالغ بر ۱۰۹۰ کیلومتر گردید (همان).

از دیگر امکانات در شیراز امکانات بهداشتی و درمانی بود. شیراز در دهه چهل با اینکه مرکز استان و شهرهای مطرح و مورد توجه حکومت پهلوی بود، با این حال امکانات درمان و خدماتی محدودی داشت. شیراز و یکی دو شهر دیگر استان تا قبل از برنامه دوم عمرانی در کشور به عنوان مراکز نمونه شناخته و نسبتاً وسایل بهداشتی کافی از قبیل بیمارستان، درمانگاه، حمام و غیره داشتند؛ اما بقیه نقاط استان از این لحاظ فوق‌العاده فقیر بودند. در برنامه سوم تسهیلاتی برای دیگر شهرستان‌های استان در نظر گرفته شد که این تسهیلات برای همه مراکز شهری استان بسیار ناچیز بود. به‌طور کلی تا پایان دهه چهل استان فارس دارای ۱۹ بیمارستان، ۹۰۰ تخت خواب، ۸۲ درمانگاه و ۱۶ بخش تزریقاتی، ۴۹ مطب و ۶۱ داروخانه و یک شیرخوارگاه و دو پرورشگاه و ۱۴ مؤسسه خیریه و ۱۴ دامپزشک بود که از این لحاظ نسبت به سایر استان‌ها و فرمانداری‌های هم‌جوار وضعیت مطلوب‌تری داشت (همان).

جدول شماره ۴- رشد جمعیت در شهر شیراز

نام شهر	میزان رشد سالانه		درصد رشد سالانه		
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵
شیراز	۱۷۰۶۵۹	۲۶۹۸۶۵	۴۲۵۸۱۳	۴/۸	۷/۱

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵؛ زنجانی و رحمانی ۱۳۶۸: ۱۷۵ به بعد

بر اساس آمار جدول ۴، جمعیت شیراز تقریباً در دو دهه رشد زیادی داشته به‌خصوص در فاصله زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵. این امر نشان از افزایش مهاجرت از روستاها و مناطق عشایری استان به شهر شیراز بعد از اصلاحات ارضی به دلیل افزایش امکانات و خدمات شهری در شیراز بوده است.

مروودشت دومین مرکز جذب جمعیت در استان فارس، جلگه‌ای وسیع و حاصلخیز در ۳۵ کیلومتری شمال شیراز، مساحت آن حدود ۱۴۰ هزار هکتار بود. اراضی وسیع این جلگه از رودخانه کر و سیوند مشروب می‌شد و متوسط بارندگی آن ۳۳۵ میلی‌متر که شرایطی کاملاً مناسب برای توسعه کشاورزی داشت. تولیدات کشاورزی این ناحیه گندم و جو که به‌صورت آبی و دیم کشت می‌شد. برنج در مناطقی که آب کافی داشت و همچنین چغندر قند بعد از احداث کارخانه قند برای فروش به کارخانه رایج شده بود. مروودشت در هنگام تأسیس کارخانه قند در سال ۱۳۱۴ دهکده کوچکی بود به‌تدریج رو به گسترش نهاد به‌طوری‌که در سرشماری ۱۳۴۵ با ۲۵۴۹۸ نفر جمعیت چهارمین شهر پرجمعیت استان شد. روستاهای منطقه مروودشت تحت تأثیر پیشرفت آن قرار داشتند و تمام روستاهای اطراف محصول چغندر قند، نیروی کار اضافی و عوارض خود را به این شهر تحویل و در مقابل کالاهای موردنیاز خود را از بازار این شهر تهیه می‌کردند (عجمی ۱۳۴۸: ۲۳-۲۴).

۶. توسعه فیزیکی شهر شیراز

یکی از دلایل عمده در توسعه شهر شیراز افزایش جمعیت آن بود. با افزایش جمعیت نیاز به خدمات توسعه شهری نیز بیشتر شد. از طرفی در دهه چهل و بعد از انقلاب سفید فعالیت‌های عمرانی عمده‌ای در اکثر شهرهای بزرگ از جمله شیراز آغاز شد که شالوده توسعه شهرها در دهه‌های بعد قرار گرفت. آغاز دو طرح عمرانی بزرگ در شیراز؛ یعنی ایجاد و توسعه فرودگاه و همچنین بزرگ‌ترین طرح صنعتی شیراز «تأسیسات الکترونیکی شیراز» نقش مهمی در توسعه شهر چه از نظر فیزیکی و چه از لحاظ اقتصادی داشت. همچنین این طرح‌ها باعث مهاجرت عمده روستائیان شیراز در بخش شرقی و غربی شد؛ زیرا بخش عمده روستا و زمین‌های کشاورزی آن‌ها در اختیار دولت برای توسعه طرح‌های عمرانی و صنعتی شهر قرار گرفت.

پیش از احداث فرودگاه جدید شیراز، روستای اطراف آن جعفرآباد به‌عنوان یک روستای قدیمی دارای ۴۰۰ نفر جمعیت بود. دارای دو حلقه قنات، کشت و زرع پیشرفته و پول‌ساز و عمده اهالی دامدار بودند. با احداث باند جدید فرودگاه بیش از نیمی از زمین‌های زراعی ده، جزو فرودگاه گردید. در همان زمان بسیاری از ساکنین روستا به شیراز کوچیدند و با موافقت مقامات مسئول دولتی، برای باقی‌ماندگان در ضلع شرقی زمین‌های زراعی قلعه‌ای ساخته شد؛ زیرا قلعه قدیمی روستا (قلعه دودمان) جزو باند فرودگاه شده بود. در دهه ۵۰ برای توسعه فرودگاه بقیه زمین‌های کشاورزی این ده نیز تصاحب شد و کشت آن ممنوع گردید. تقریباً تمام مردان کاری روستا برای انجام کار به شیراز رفتند و یا در «شرکت چکش» که کارهای ساختمانی فرودگاه را به عهده داشت، استخدام شدند. روستای جعفرآباد نماینده روستاهای اطراف خود (دودمان، امیری، شیخعلی‌چوپان، سلطان‌آباد و جرسقان و چند روستای دیگر در ضلع شرقی شیراز) بود که از نظر کشت سطحی، بهره‌وری آن‌ها به صفر رسید (حمصی، آیت‌اللهی ۱۳۵۷: ۶۴)

نمونه روستای دیگر حسین‌آباد قصرالدشت واقع در دهستان حومه شیراز، در شمال شهر به فاصله ۵ کیلومتر در کنار جاده شیراز- اردکان و از نظر باغداری پررونق بود. در دهه ۵۰ قسمتی از ریگزارهای روستا در زمین‌هایی که کمتر قابل شرب و کشت بوده‌اند، با همه منع قانونی که داشت، در جریان زمین‌بازی افتاده و ناگزیر از گردونه کشت و کار و اصلاح و احیای زمین خارج شد. این زمین‌ها که به جاده نزدیک‌تر و تا تاچارا کشیده می‌شد، توجه شیرازیان را برای خانه‌سازی به خود جلب کرد. از طرفی تأسیسات شرکت صنایع الکترونیک شیراز نیز این ده را برای احداث تأسیسات خود مناسب دانست و بهترین زمین‌های زراعی و مسطح روستا که از آن کشاورزان و کمتر متعلق به مالکان بود، همه را اشغال کردند. تنها تعدادی از باغ‌ها و قسمتی از تل و تپه که مناسب برای کشت دیمی بود در اختیار اهالی باقی ماند. سود ناشی از فروش زمین برای خانه‌سازی بیشتر اهالی را بر آن داشته که زمین‌های خود را به شیرازیان بفروشند و عملاً دیگر کشت و باغداری در این منطقه اهمیت چندانی نداشت. از طرفی جریان زمین‌بازی در شیراز و تکه‌پاره شدن زمین‌ها و بورس‌بازی که اول از طرف جنگل‌بانی‌ها و سپس مالکان شروع شده بود به زارعان نیز رسید (همان: ۷۳). عمده روستاهای اطراف شیراز، با بالا رفتن قیمت زمین، دست از کشت و زرع کشیده زمین‌های خود را به فروش رساندند و خود راهی شیراز شدند. به‌طورکلی تأسیس صنایع نظامی، علاوه بر شرکت «جنرال موتورز»، ساختمان‌سازی، شهرک‌سازی

زمین‌های معالی‌آباد، تأسیس کابل‌سازی و غیره فرصت‌های شغلی زیادی در شیراز ایجاد کرد.

از دیگر طرح‌های عمرانی در شیراز که موجب توسعه شهر و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای کارگران شد، طرح شهرک‌سازی در غرب شیراز در زمین‌های حسین‌آباد بود. در زمان وزارت «جابر انصاری» وزیر مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۴۵ طرح احداث شهرک ۵ هزار واحدی در زمین‌های شرقی حسین‌آباد در غرب شیراز مطرح شد. پروژه احداث شامل ساختمان پنج‌هزار نفری در محوطه‌ای به مساحت ۱۱۳ هکتار زمین در بهترین منطقه خوش آب‌وهوای شیراز و مجهز به کلیه وسایل لازم از قبیل لوله‌کشی آب، گاز و فاضلاب آب و غیره بود. در این شهر تعبیه استخر شنا، پارکینگ، بازار، فروشگاه بزرگ، مدرسه، زمین‌های ورزشی، سالن اجتماعات، مراکز خدمات اجتماعی و درمانی و سایر تسهیلات لازمه زندگی در نظر گرفته شده بود (پیک خجسته ۱۳۴۵: ش ۱۱۴۹). این فرصت‌ها کارگران زیادی نه تنها از روستاهای استان بلکه از استان‌های هم‌جوار و حتی کارگران افغانی را نیز به خود جلب کرد. با توسعه طرح عمرانی و صنایع زیربنایی، شیراز به کانون عمده جذب جمعیت در جنوب کشور در سال‌های دهه چهل و پنجاه تبدیل شد.

۷. رشد حاشیه‌نشینی در شیراز

حاشیه‌نشینی یا به زبان‌های بومی و محلی، زاغه‌نشینی یا کپرنشینی پدیده‌ای بود که در دهه چهل با گسترش مهاجرت‌های روستایی در اطراف شهرهای بزرگ شکل گرفت. این پدیده عبارت بود از نحوه زیست گروهی از مردم که دارای امکانات عادی شهری نبودند. این عده به لحاظ کمبود درآمد و فقر مالی در حاشیه شهرها در اماکنی به اسم زاغه، گود، آلونک و یا کپر ساکن شده و طبیعتاً از نظر نوع مسکن، بهداشت و بهره‌مندی از خدمات اجتماعی و سایر تأسیسات شهری در مضیقه بودند. حاشیه‌نشینی معلول گسترش سریع شهرها و بالأخص مهاجرت روستائیان و ایلات و عشایر به شهرهای پرجمعیت‌تر بود. افراد بی‌بضاعت و کم‌درآمد و آنهایی که در اثر خشک‌سالی و بی‌زمینی و سایر عوامل توانایی مالی خود را ازدست‌داده بودند به طرف شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کرده و چون به علت وضع اقتصادی نامساعد قدرت زندگی در داخل شهر را نداشتند در حاشیه شهرها ساکن شدند (پوستچی ۱۳۵۳: ۲)

گسترش عوامل توسعه شهری در شیراز و در نتیجه به وجود آمدن بازارهای کار و درآمد بیشتر به عنوان مرکز جذب جمعیت از یک طرف و وجود سال‌های کم‌باری ۴۱-۴۳ و ۴۶ تا ۵۱ در منطقه فارس و جنوب کشور به عنوان عامل فشار اقتصادی و فقر مالی روستائینان و عشایر کوچ رو منطقه از طرف دیگر موجب شد تا شهر شیراز که آبادترین منطقه جنوب کشور بود به عنوان یک قطب مهاجرپذیر شاهد بروز و رشد حاشیه‌نشینی گسترده‌ای در سال‌های مورد نظر باشد.

در مورد جمعیت کلی حاشیه‌نشینان شیراز طبق سندی که در تاریخ ۱۳۵۳/۷/۳ و ۱۳۵۴/۵/۶ تنظیم شده، تعداد این افراد را حدود ۱۲ هزار نفر اعلام کرده بود. در این مکاتبه دولتی آمده که این حاشیه‌نشینان از مهاجرین روستاهای فارس و بندرعباس بودند که بر اثر خشک‌سالی و عدم تأمین معیشت به شیراز کوچ و در زمین‌های موقوفه جنوب شهر در شرایط دشواری و دور از هر نوع خدمات و وسایل لازم نظیر آب، برق، بهداشت و تعلیم و تربیت زندگی می‌کردند (اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۹۰: سندش ۷۹). بررسی‌های انجام شده از حاشیه‌نشینان شیراز در دهه ۵۰ نشان می‌دهد که تنها ۶/۱ درصد مهاجران روستایی در سال‌های دهه ۳۰ و قبل‌تر از آن به شیراز کوچیده و مهاجرین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰، ۲۵/۶ درصد مهاجران را تشکیل می‌دادند. عمده مهاجران که مناطق عمده حاشیه‌نشینی در شیراز را تشکیل داده بودند، مربوط به مهاجران روستایی و عشایری در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰ بودند؛ یعنی ۶۸/۲ درصد که بیش از دوسوم حاشیه‌نشینان را تشکیل داده بود (آیت‌اللهی ۱۳۵۷: ۲۳-۲۴). البته مهاجرت روستائیان فارس به شیراز را می‌توان به‌طور مشخص‌تر از سال ۱۳۳۷ دانست. این سال هم‌زمان با آغاز خشک‌سالی‌های عمده استان فارس و جنوب بود که روند مهاجرت‌هایی روستایی در نواحی جنوب کشور را شکل داد و از سال ۱۳۴۱ با اصلاحات ارضی و محرومیت بخش عمده جامعه روستایی از دریافت زمین، روند آن شدت بیشتری یافت. رشد حاشیه‌نشینی در شیراز از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰، ۱۷/۸ درصد و از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، ۱۲/۲ درصد بود. (پوستچی ۱۳۵۳: ۱۱).

اولین محله‌های حاشیه‌نشینی در شیراز دو محله به نام «دباغی» و «شاداعی اله» در جوار منطقه فقیرنشین جنوب غربی و شرق شیراز بود. مهاجران در آلودگی‌هایی که غالباً از حلبی یا حصیر ساخته شده بود ساکن بودند (حاشیه‌نشینان شهر شیراز ۱۳۵۱: ۲). ساکنان این دو منطقه از عشایر و روستائیان فارس و جنوب کشور بودند. مهاجرین عشایری حدود ۷۷

درصد کل سکنه منطقه را تشکیل داده بودند. آن‌ها به علت خشک‌سالی‌های مدام و تلفات سنگین دام‌هایشان مجبور به سکونت در این منطقه شده بودند. ۲۳ درصد بقیه اهالی این دو منطقه ۱۷/۵ درصد از روستائیان فارس و جنوب کشور و ۵/۵ درصد بقیه نیز از اهالی فقیر شیراز بودند که به لحاظ عدم استطاعت مالی و ازدیاد قیمت اجاره‌ها به حاشیه‌نشینی روی آورده بودند (همان: ۶). مهاجرت عشایر و روستائیان به منطقه «شادعی اله» در بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ بسیار زیاد بود، این امر ناشی از خشک‌سالی‌های پی‌درپی مناطق جنوب در سال‌های بعد از اصلاحات ارضی، مسدود شدن مسیر بیلاق و قشلاق، ملی شدن مراتع، بی‌آب علف شدن دام‌ها و نبود آب برای کشت و زرع بود. در سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۲ تعداد مهاجرت به این مناطق تا حدودی کاهش یافت، به‌خصوص در محله دباغی که این امر از یک‌طرف به خاطر بهتر شدن روند خشک‌سالی در استان و از طرف دیگر این‌که مهاجرین، محلات دیگری را برای سکونت در اطراف شیراز انتخاب کرده بودند. کسانی که در محله‌های حاشیه شیراز زندگی می‌کردند، از نزدیک‌ترین محل یعنی ۱۳ کیلومتری جنوب غربی شیراز ناحیه بید زرد تا دورترین نقطه ۱۳۵۰ کیلومتری؛ یعنی اطراف خاش و سراوان در سیستان و بلوچستان به این محلات کوچ کرده بودند. (پوستچی ۱۳۵۳: ۱).

۸. نتیجه‌گیری

در کشورهای جهان‌سومی رشد شهرنشینی و مهاجرت روستایی رابطه تنگاتنگی باهم دارند. در این کشورها مهاجرت‌ها معمولاً در پی سیاست‌های دولتی شکل جدیدی به خود گرفته و روند آن تغییر می‌یابد. ایران تا قبل از ۱۳۰۰ از روند و رشد شهرنشینی متناسبی برخوردار بود؛ اما از این زمان به بعد تحت تأثیر تحولات جهانی و تحولات سیاسی کشور دچار تغییرات اجتماعی عمده‌ای شد. اشغال کشور، تغییر حکومت، درگیری و شورش‌های قومی و منطقه‌ای در گوشه و کنار کشور، تأثیرات جنگ‌های جهانی همه از عواملی بود که بر تحرکات جمعیتی در کشور بسیار تأثیر گذاشت. در این زمان تحرک و جابه‌جایی در مناطق شمالی کشور به دلیل اشغال شوروی و وجود ناامنی‌ها بیشتر بود و عمده مهاجرت‌های داخلی نیز به پایتخت صورت گرفت. از اواخر دهه ۲۰ که طرح‌های عمرانی دولت جهت بهبود اوضاع اقتصادی آغاز شد، دولت با اختصاص بودجه عمرانی بیشتر به شهرها در جهت قطبی شدن امکانات و رفاه در کشور گام برداشت. مسئله مهاجرت‌های داخلی

به‌خصوص مهاجرت‌های روستایی در دهه ۲۰ و ۳۰ یکی از مسائل مهم دولتی بود. در دولت مصدق و اقبال مسئله مهاجرت روستائیان به شهر و به‌خصوص تهران به یکی از مشغله‌های اساسی دولت تبدیل شد و دولت برای جلوگیری از افزایش مهاجرت‌ها قوانینی را تصویب کرد. با این حال از اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه چهل و هم‌زمان با برنامه عمرانی سوم، سیاست‌های دولت در جهت حمایت از مهاجرت‌های روستایی و تلاش برای معکوس کردن نسبت جمعیت پیش رفت. اواخر دهه ۳۰ ش هم‌زمان با آغاز دهه شصت میلادی از طرف سازمان ملل به‌عنوان اولین دهه توسعه مطرح شد. تئوری قراردادی توسعه بر این باور بود که در کشورهایی که دارای نیروی زراعی اضافی باشند، توسعه تنها به‌وسیله انتقال نیروی انسانی از بخش کشاورزی به صنعت امکان‌پذیر است. در این برنامه کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌بایست سعی خود را دوچندان می‌کردند تا توسعه صنعتی را در مناطق شهری بزرگ که مستعد این کار بودند، تشویق نمایند. این راهبرد توسعه، خواستار مهاجرت وسیع کشاورزان کم‌کار از مزارع به‌سوی شهرها بود تا در توسعه صنعتی به کار گرفته شوند. تصویب لایحه اصلاحات ارضی (تقسیم اراضی مالکان عمده میان دهقانان) در اواخر دهه سی و اجرای آن در دهه چهل نیز در راستای همین برنامه سازمان ملل تدوین شد. اجرای اصلاحات ارضی در دهه چهل همگام با برنامه‌های عمرانی باعث تغییر ترکیب جمعیتی کشور، تسریع در روند افزایش جمعیت شهری و افزایش تعداد شهرها در کشور شد. استان فارس نیز همگام با کل کشور در این مقطع با رشد شهرنشینی و افزایش سریع نقاط شهری در استان مواجه شد. رشد شهرنشینی در استان با توجه به دارا بودن بخش عمده ایلات و عشایر در استان شتاب بیشتری نسبت به کل کشور داشت. طبق آمار و سرشماری ۱۳۳۵ سهم شهرنشینی استان ۳۳/۹ درصد بود که در سرشماری ۱۳۴۵ به ۳۹/۸ درصد رسید. تعداد نقاط شهری استان نیز از ۱۷ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۳۱ نقطه شهری در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. شیراز به علت دارا بودن زیرساخت‌های مختلف و به‌عنوان مهم‌ترین قطب جذب سرمایه کانون اصلی جذب مهاجرین روستایی و داخلی استان بود. با افزایش جمعیت در شیراز طرح‌های عمرانی بسیاری نیز در این شهر به اجرا درآمد که باعث جذب بیشتر جمعیت و توسعه فیزیکی آن نیز شد. یکی از پیامدهای افزایش جمعیت در شهرها ایجاد تورم و بالا رفتن قیمت خانه، زمین و اجاره‌بها بود. در این شرایط مهاجران فقیر روستایی که از تهیه خانه و اجاره‌بها عاجز بودند در اطراف این شهر به جمع حاشیه‌نشینان شهری افزوده شدند.

کتاب‌نامه

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۲/۱۳۷/۴۰۵/۱/۲۶ س
روزنامه اطلاعات (۱۳۴۱ / ۱۰/۲۴)، ش ۱۰۹۹۸.
روزنامه پیک خجسته، (۸ تیر ۱۳۴۵)، ش ۱۱۴۹.
روزنامه کیهان، (۱۳۴۰/۹/۱۹)، ش ۵۵۲۹.
اعتماد، گیتی (۱۳۶۶)، شهرنشینی در ایران، «مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر»، تهران: انتشارات آگاه.
امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۷)، کوچ‌نشینی در ایران پژوهشی درباره عشایر و ایلات، تهران: انتشارات آگاه.
اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان فارس (۱۳ ۷۱)، سازمان برنامه‌بودجه فارس، شیراز: مرکز انفورماتیک و مطالعات توسعه جنوب، دفتر برنامه‌ریزی.
استان فارس در برنامه پنجم (۱۳۵۴)، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ج اول، تهران: دفتر برنامه‌بودجه استان فارس.
اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷ (۱۳۹۰)، مرکز پژوهش و سنجش و اسناد ریاست جمهوری، به کوشش ایرج محمدی، تهران: انتشارات خانه کتاب.
آیت‌اللهی، علیرضا (۱۳۵۷)، بررسی فرآیند مهاجرت روستائیان به شهرها در استان فارس، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
آیت‌اللهی، علیرضا، محمد کریم منصوریان (۱۳۴۱)، نگاهی کوتاه به مسئله حاشیه‌نشینی علل و نتایج آن در شهر شیراز، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
آیت‌اللهی، علیرضا، محمدحمصی (۲۵۳۷)، گزارش مقدماتی بررسی انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت روستائیان به شهر در استان فارس، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
ایران محبوب، جلیل (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی شهری، شیراز: دانشگاه شیراز.
پهلوی، محمدرضا (بی‌تا)، به سوی تمدن بزرگ، تهران: کتابخانه پهلوی.
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰)، حساب‌های ملی ایران (۱۳۳۸-۱۳۵۶)، تهران.
بانک ملی ایران (۱۳۲۷)، تاریخچه تنظیم برنامه هفت‌ساله عمران و آبادی در ایران، تهران: بی‌نا.
پوستچی، ایرج و دیگران (۱۳۵۳)، طرح مطالعاتی حاشیه‌نشین‌های شیراز، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۱)، مهاجرت‌های شهری و روستایی، تهران: انتشارات ستوده.

بررسی تأثیر مهاجرت بر رشد شهرنشینی ... (زینب قنبری نژاد) ۲۴۵

- حاشیه‌نشینان شهر شیراز (۱۳۵۱)، گروه پژوهشگران، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۶۳)، شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- حمصی، محمد (۱۳۵۹)، فهرست برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مهاجرت و تحرک جمعیت در ایران، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- حمصی، محمد و علیرضا آیت‌اللهی (۱۳۵۷)، گزارش طرح بررسی علل و عواقب مهاجرت روستائیان به شهرها در استان فارس، شیراز: مرکز تحقیقات وزارت تعاون و امور روستا.
- دانش، ابوالحسن (۱۳۶۲)، مقدمه‌ای بر تئوری حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه در کشورهای جهان سوم، تهران، سازمان برنامه‌و بودجه.
- دکتر امینی به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۹)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۵)، «نظریه‌ای در مورد مهاجرت با توجه به نمونه ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دور دوم، ش اول، ص ۲-۱۸.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد و دیگران (۱۳۶۶)، «مهاجرت روستایی و روند یک‌صد ساله اخیر آن در ایران»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۲.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۷۳)، «مروری تحلیلی بر سیر تحقیقات روستایی و عشایری در ایران»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۶، ص ۱۵۱-۱۵۹.
- زنجانی، حبیب‌الله و فریدون رحمانی (۱۳۶۸)، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، تهران: مرکز مطالعات معماری و شهرسازی ایران.
- سازمان برنامه‌و بودجه (۱۳۵۹)، مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۵۵، نشریه شماره ۱۸۶، تهران.
- سازمان برنامه‌و بودجه (۱۳۷۷)، سابقه برنامه‌ریزی در ایران، تهران.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۷)، استان شناسی فارس، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سازمان برنامه مرکز آمار ایران، آبان ۱۳۵۵، استان فارس
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سازمان برنامه مرکز آمار ایران آبان ۱۳۴۵، ج ۱۵۰، استان فارس.
- سازمان برنامه مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵، شهرستان شیراز استان فارس، ش ۷۳.
- شکوئی، حسین (۱۳۶۹)، جغرافیای اجتماعی شهرها، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- صفوی، مهرناز (۱۳۷۸)، وضعیت مهاجرت در استان بوشهر طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۵، سازمان برنامه‌و بودجه استان بوشهر، معاونت آمار و اطلاعات.

- عجمی، اسماعیل، (۱۳۴۸)، شش‌دانگی - پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- عجمی، اسماعیل و دیگران، (۱۳۵۳)، اثرات اقتصادی و اجتماعی سد داریوش کبیر (بررسی دهات نمونه زیر سد)، شیراز: دانشگاه عمران ملی و مطالعات اجتماعی.
- عمید، محمدجواد (۱۳۸۱)، کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه رامین امینی نژاد، تهران: نشر نی.
- قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۷)، «نقش برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت‌های روستا شهری» پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۳.
- قرخلو، مهدی (۱۳۶۹)، «مسائل و مشکلات ایل قشقایی و طایفه دره شوری و آینده‌نگری، مسئله ایل راه (الیولی)»، فصلنامه عشایری، ش ۱۲.
- قنبری نژاد، زینب؛ حبیب‌الله سعیدی نیا (۱۴۰۰)، «پیامدهای اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری شرکت‌های سهامی زراعی در فارس»، تاریخ ایران، ش ۲، ص ۱۳۳-۱۵۴.
- منصوریان، محمد کریم، هما آقا، علیرضا آیت‌اللهی (۲۵۳۵)، تحولات جمعیت فارس در بیست سال اخیر، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- وزارت اقتصاد مرکز بررسی‌های توسعه صنعتی و بازرگانی (۱۳۴۷)، امکانات توسعه صنعتی استان فارس.